

خشم و افسردگی در کودکان

زهره اقبال نیا

فاطمه نوروزی

www.ketab.ir



سرشناسه : اقبال‌نیا، زهره، ۱۳۵۵ -

عنوان و نام پدیدآور : خشم و افسردگی در کودکان / زهره اقبال‌نیا، فاطمه نوروزی.

مشخصات نشر : فیض‌آباد مه‌ولات: انتشارات جالیز، ۱۳۹۶.

مشخصات ظاهری : ۱۱۰ص؛ ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س.م.

شابک : ۱۲۰۰۰۰ ریال: ۸۰-۸۱۵-۹۹۶۱۵-۶۰۰-۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی : فیا

یادداشت : کتابنامه.

موضوع : خشم در کودکان

موضوع : Anger in children :

موضوع : رخاشگری در کودکان

موضوع : Aggressiveness in children :

موضوع : افسردگی در کودکان

موضوع : Depression in children :

موضوع : والدین و کودکان - جنبه‌های روان‌شناسی

موضوع : Parent and Child -- Psychological aspects :

شناسه افزوده : نوروزی، فاطمه، ۱۳۴۷ -

رده بندی کنگره : ۷۲۳BF ۷الف ۵خ ۷ ۱۳۹۶

رده بندی دیویی : ۱۵۵/۴۱۲۴۷:

شماره کتابشناسی ملی : ۴۹۸۶۸۱۷:

عنوان کتاب : خشم و افسردگی در کودکان

نویسنده : زهره اقبال نیا ، فاطمه نوروزی

ناشر : انتشارات جالیز

طراح جلد : صالح مقدم

تیراژ : ۱۰۰۰

نوبت چاپ : او

تاریخ چاپ : ۱۳۹۶

قطع : رقعی

تعداد صفحات : ۱۱۰ صفحه

قیمت : ۱۲۰۰۰۰ ریال

۰	۸	۹۹۶۱۵	۶۰۰	۱۰۰۸
---	---	-------	-----	------

شابک :

حق چاپ برای مؤلفین محفوظ است.

آدرس: خراسان رضوی ، مه ولات ، فیض آباد بلوار مدرس ۴ پلاک ۱۰

تلفن: ۰۵۱۵۶۷۲۸۷۹۷ - ۰۹۱۵۹۳۰۹۹۶۳

فهرست مطالب

۱۰	مقدمه
۱۱	قلدری در مدرسه
۱۶	ضرورت برنامه‌های پیشگیرانه
۱۶	برنامه‌های مداخله‌ای موجود
۱۹	راهکارهای مکرر در مدلان و کاهش قلدری
۲۳	فلسفه برای کودکان و بهبود همدلی
۲۹	خشم از نظر روانشناسی
۳۰	تغییرات بدنی توأم با خشم
۳۱	مطالعه خشم کودکان
۳۳	نتایج خشم
۳۴	تذکرات تربیتی
۳۵	علل پرخاشگری کودکان
۴۱	دیدگاه‌های مختلف درباره پرخاشگری
۴۲	دیدگاه روان تحلیلی
۴۳	دیدگاه یادگیری اجتماعی

- ۴۴..... نظریه جامعه‌شناسی
- ۴۵..... رویکرد عقلانی-رفتاری-عاطفی
- ۴۶..... رویکرد رفتاری شناختی
- ۴۷..... رویکرد درمانی نواکو
- ۵۰..... روشهای بالینی
- ۵۴..... پیامدهای مورد انتظار
- ۵۵..... موارد عدم تجربه
- ۵۶..... مبحث نخست: طرفداران ذاتی به پرخاشگری
- ۵۷..... مبحث دوم: طرفداران منشأ اجتماعی پرخاشگری
- ۵۹..... مبحث سوم: تفاوت میان پرخاشگری و سردگن
- ۶۰..... علل و عوامل پرخاشگری
- ۶۴..... عوامل شخصیتی پرخاشگری
- ۶۵..... ژنتیک و عملکرد سیستم عصبی و هورمونی
- ۶۵..... پیامدهای پرخاشگری و راه‌های مقابله با آن
- ۶۶..... درمان پرخاشگری
- ۶۶..... پرخاشگری و هیپوتیزم درمانی
- ۶۸..... درمان پرخاشگری در کودکان

- ۷۱..... افسردگی چیست؟
- ۷۸..... عامل افسردگی وراثت یا محیط؟
- ۸۶..... افسردگی در کودکان
- ۸۷..... علائم و معیارهای تشخیص افسردگی در کودکان و نوجوانان
- ۸۸..... معیارهای تشخیص افسردگی در کودکان عبارت‌اند از:
- ۹۱..... عامل مؤثر بر بروز افسردگی در کودکان
- ۹۳..... عوامل مؤثر بر بروز افسردگی
- ۹۴..... روش‌های درمان افسردگی کودکان
- ۹۸..... کمک‌ها و مداخلات والدین
- ۱۰۲..... منابع و مآخذ

مقدمه

پرخاشگری، عبارت است از: عدم کنترل رفتار در برابر موقعیتهای ناخواسته (از پیش تعیین نشده)، «هیلگارد» معتقد است: «پرخاشگری به رفتاری اطلاق می شود که از آن ناپودک، خرد یا افراد و یا صدمه رساندن به آنان (جسمانی یا زبانی) است». البته این یک تعریف کلی از پرخاشگری است.

خشم یکی از هیجانات پیچیده انسان است. خشم واکنشی متداول نسبت به بدرفتاری و ناکامی است. همه ما در طول زندگی با موقعیتهای خشم برانگیز روبرو شده ایم. اشکال خشم این است که اگرچه بخشی از زندگی است ولی ما را از رسیدن به اهداف خود باز می دارد و علت این که افراد مورد خشم دچار تعارض و تضاد هستند همین نکته است. از یک طرف خشم پاسخ طبیعی انسان است و از طرف دیگر می تواند روابط بین فردی را مختل کند و ما را از رسیدن به اهداف خود باز دارد.

ارائه تعریفی از خشم بسیار دشوار است، زیرا افراد از نظر ذهن و حالت خشم و نحوه واکنش به آن کاملاً متفاوت هستند. هیجانهایی که غالباً با خشم همراه هستند عبارتند از: عصبانیت، خشونت، خصومت، کینه توزی، غضب، تنفر، تحریک، حالات رنجش، غصه، تحقیر

روانشناسانی که اعتقادات نظری متفاوتی دارند در مورد چگونگی تعریف پرخاشگری اساساً با هم توافق ندارند. موضوع اصلی این است که آیا باید

پرخاشگری را براساس پیامدهای قابل دیدن آن تعریف کنیم یا براساس مقاصد شخصی که آن را نشان می دهد.

گروهی پرخاشگری را رفتاری می دانند که به دیگران آسیب می رساند یا بالقوه می تواند آسیب برساند. پرخاشگری ممکن است بدنی باشد (زدن - لگد زدن - گاززدن) یا لفظی (فریاد زدن، رنجاندن) یا به صورت تجاوز به حقوق دیگران (حیزی را به زور گرفتن)، نقطه قوت این تعریف عینی بودن آن است به رفتار قابل مشاهده اطلاق می شود. نقطه ضعف آن این است که شامل بسیاری از رفتارهایی است که ممکن است به طور معمول پرخاشگری تلقی نشود. پرخاشگری وسیله ای رفتاری است در جهت رسیدن به هدفی.

پرخاشگری را باید از جرأت ورزی متمایز دانست. جرأت ورزی، دفاع از حقوق یا تعلقات (مانند معانیه کودک از آن که کسی به اسباب بازی اش دست بزند) یا بیان امیال و آرزوها را بر می گیرد. مردم معمولاً شخص با جرأت را پرخاشگر می دانند، در صورتی که کسی که از حق خود دفاع می کند با جرأت است نه پرخاشگر.

در عصری که ابزار غلبه بر دیگران و تخلیه خشم، اسلحه و سلاح سرد و گرم به سلاح هسته ای رسیده است، رشد حتی یک فرد پرخاشگر که قادر به همدلی با انسان ها و درک ارزش های انسانی نیست، می تواند فاجعه آفرین باشد. علی رغم تدابیر موجود، میزان خشونت در جامعه سیری فزاینده دارد. هر روز، شاهد بروز خشونت در خانه، کوچه، بازار، و مدرسه ایم و یا اخباری در مورد آن می شنویم و حتی بسیاری

از مردم، در زندگی روزمره خود، بارها خشونت را حس می کنند. این ها دلایل کافی برای نگرانی والدین و مسئولان آموزشی و اجتماعی، از شیوع و رواج خشونت در میان کودکان، است. همه ساله تعداد چشمگیری از افراد کم سن و سال، قربانی و یا درگیر خشونت های میان فردی می شوند. این خشونت ها نه تنها از سوی افراد بزرگسال بر کودکان اعمال می شود، بلکه در بسیاری موارد در میان خود کودکان و نوجوانان رخ می دهد و آسیب های فراوان جسمی و روحی را بر فرد وارد می کند که تأثیرات آن تا بزرگسالی ادامه می یابد.

روانشناسان، به جز پرخاشگری های رقابتی، که در فرایند اجتماعی شدن به طور طبیعی رخ می دهند، دو نوع پرخاشگری را از یکدیگر متمایز کرده اند: پرخاشگری وسیله ای و پرخاشگری خصمانه. پرخاشگری وسیله ای رفتاری است برای رسیدن به هدفی خاص. مثل پرخاشگری باریکنان فوتبال هنگام مسابقه، ولی پرخاشگری خصمانه رفتاری است برای آسیب رساندن به دیگران که ممکن است منجر به مرگ یا آسیب جدی به دیگری شود. هر دوی این رفتارها می توانند رشد جوامع انسانی را مختل کنند. مطالعات بسیاری تأثیرات منفی ای را که اعمال خشونت بر بهداشت روان و رفتار فرد و جامعه وارد می سازد تأیید کرده اند که مهم تر از آن ها، خطر فزاینده مشارکت در رفتارهای خشونت آمیز آتی است.

رواج خشونت های کلامی، تحقیرهای روانی، و برخوردهای فیزیکی در میان دانش آموزان روز به روز نگران کننده تر می شود. در مدارس هنوز خطر اقدامات مرگبار چندان زیاد نیست اما خطر قرارگیری در معرض خشونت و قربانی رفتارهای

خسونت بار شدن، به ویژه در میان کودکان مقطع دبستان و راهنمایی همچنان زیاد است

این پدیده بسیار شایع به نوعی سوی استفاده از قدرت است، که در آن غلبه فرد قوی بر فرد ضعیف تر مکرراً صورت می گیرد. در پژوهشی که «انجمن سلامت و خدمات رفاهی امریکا» (S.U. nemtraped. dna htlaeh fo secivres namuh) انجام داده مشخص شد این مشکل در اوایل نوجوانی، یعنی در ۱۱-۱۴ سالگی، شدت بیشتری پیدا می کند. این پدیده در میان دو جنس رایج است، اما بسته به جنس، کیفیت آن متفاوت است. زورگویی و قلدری در بین پسران اغلب از نوع خسونت های فیزیکی، فعال و توأم با کاربرد کلمات ناشایست و زد و خورد است، اما در بین دختران اغلب روانی و همراه با رفتارهای منفعل مثل قهر، طرد، تحقیر، تمسخر، و غیره صورت می گیرد. پسران قلدر معمولاً هر دو جنس را آزار می دهند ولی دختران قلدر سرور فقط هم جنسان خویش را می آزارند. از آنجا که قلدری اغلب مواقع مؤثر واقع می شود و زورگو را به خواسته هایش می رساند، تداوم نیز می یابد. البته احتمال تداوم نقش در قربانیان کمتر از احتمال تداوم نقش در فرد قلدر است. آنچه در اکثر پژوهش ها تأیید شده این است که زورگویان و خشن ها با قربانیان و حتی سایر افراد هیچ گونه احساس همدلی ندارند. این افراد قربانیان خود را مستحق رفتار آزاردهنده خود نمی دانند و چنین توجیهی راه را برای اصلاح رفتار می بندد.

از طرفی شواهد پژوهشی نشان می‌دهد که میزان شیوع پرخاشگری را می‌توان با شروع برنامه‌های پیشگیرانه در دوران کودکی و افزایش قدرت استدلال و انعطاف‌پذیری و بهبود شایستگی‌ها و صلاحیت‌های اجتماعی کاهش داد، چرا که پیش‌آگاهی رفتارهای خشونت‌آمیز در کودکان، ترکیبی از کم‌شایستگی یا نداشتن صلاحیت‌های اجتماعی، پرخاشگری، و ضعف عاطفی و شناختی است.

به در حال تعاریف متفاوتی از خشم ارائه شده است که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم. رابرتن به ارتباط ذهنی چشم مانند همه احساسات یک گونه از ارتباط ذهنی چند بعدی است. برکن است به عنوان یک سندرم عملکرد بر پایه عکس‌العملهایی در دامنه‌های مختلف عملی به حساب می‌آید. نظریه ارتباط فکری چند بعدی ۴ ترکیب و جزی را برانده و عکس‌العملهای سیستم خشم ضروری می‌داند. اجزای تجربی، فیزیکی، شناختی و رفتاری ۳ جزی اول از خشم با تعمق زیاد توضیح داده شده است. به طور خلاصه آنها توضیح دادند که عکس‌العمل خشم در قسمت شناختی شامل ارزش‌گذاری، ارزش‌گذاری مجدد، گفتگوی شخصی، تخیل و شبیه‌سازی و حافظه می‌گردد. آنها جزی شناختی را به عنوان وجه تجربی احساس توصیف نمودند و این نشانه برای توصیف این تجربیات کنار رفت. نهایتاً جزی فیزیکی شامل میزان ضربان قلب، فشار خون، سایر نشانه‌های تحریکی می‌باشد (صادقی، ۱۳۹۱). و همچنین جزی رفتارهای عصبی به عنوان رفتاری که یک پاسخ به حالت تحریک عصبی است می‌باشد. به علاوه به نظر می‌رسد که خشم بر ضد هر شخص است بنابراین هدف تلویحی بیشتر پاسخهای

رفتاری خشم آلودگی احساسی را موجب می‌شوند و یا ریشه تحریکات خشم را عوض می‌کنند

ثالثاً به نظر می‌رسد پاسخهای عصبی با طبیعت ارتباط دارد، در آن نوع پاسخ عصبی یک دامنه به طور خودکار با بقیه پاسخها در دامنه‌های دیگر مرتبط شده و این توصیف مسایل زیست‌شناسی و تجربی است (برکویتز ۱۹۹۱). خشم ممکن است به مضرات اجتماعی و جسمی زیادی منجر شود. مضرات جسمی خشم شامل استرس روانشناختی، پرتنشی و ناراحتی‌های بدنی همراه با خشم است.

خشم‌گنبدن - عصبانیت، رفتاری عادی در کودکان بوده و برای ابراز وجود ضروری است لیکن در این قبیل موارد باید جوابی روشن و بدون ابهام بکودک داد بگونه‌ای که حذر خود را براند و التهابات و هیجاناتی که او را دربر گرفته‌اند مهار گردد.

خشم و عصبانیت کودک نوعی بیان حال است که در مواقع ناراحتی و احساس بی‌هودگی و قهر ابراز میشود و اطرافیان کودک می‌توانند غالباً ریشه ناراحتی را باآسانی شناسایی کنند.

این خشم و ناراحتی در جریان رشد طبیعی کودک و غالباً - در فاصله ۷ تا ۸۱ ماهگی و ۳ تا ۴ سالگی بروز میکند. یعنی دوره‌هایی که نیاز به استقلال، ابراز وجود در حال گسترش و فزونی است.

در این موارد کودک به "خشم‌های انفجاری" دست می‌زنند یعنی جیغ میکشد و سروصدا میکند، پاهای خود را بزمین میکوبد، خوند را بزمین میاندازد، خود را می‌زنند و خلاصه خصومت تعرضی و تهاجمی خود را از طریق بدن خود ابراز میکند. وقتی سن کودک بالاتر میرود نوبت به خشم‌های هدایت شده میرسد یعنی چیزی را میشکند و می‌زنند، نافرمانی میکند، ناسزا میگوید و این جریانات موجب عکس‌العملهای رفتاری در افراد خانواده و محیط میشود و موضع و روش اولیای را از لحاظ تربیتی در معرض سوال قرار میدهد. طبعاً باید به تفاوت بین موارد خشم کودک قبل از یکسالگی و - شش‌ها هدف‌دار و سازمان یافته کودک ۴ و ۵ ساله به‌الا توجه داشت. قبل از یکسالگی عصبانیت کودک را "خشم نوزاد" مینامند که همراه است با حرکات آنارشیک و جیغ و داد و عکس این سروصداها (مثلاً) در یک کودک دو ماهه ممکن است گرسنگی - پائین آمدن میزان قند خون و نظایر آن باشد بعبارت دیگر نیازهای فیزیولوژیک که بعزت نداشته‌اند قدرت تکم و بیان، بدین طریق و وسیله ابراز میشود. بعضی از کودکان شیرخوار نسبت به اطفال دیگر به‌خصوصه‌تر بوده و حتی توقعشان هم بیشتر است و لذا بیشتر متوسل باین حرکات میشوند در صورتیکه کودکان آرام‌تر کمتر نیاز باین روش و رفتار پیدا میکنند. خشم بعضی از مادران که نظیر و مورد علاقه خود را بکودک تحمیل میکنند و او را کلاً مینمایند باعث عکس‌العملهای خشم‌آمیز و ناراحتی بچه میشوند.

برعکس کودکی که از مرز ۴ و ۵ سالگی میگذرد خشم و ناراحتی خود را بگونه‌ای دیگر ابراز میدارد که صرفاً "مبتنی بر نیازهای فیزیولوژیک نیستند. بهنگام بحث در

مورد خشم کودکان باید عکس العملهای اطرافیان و محیط زیست کودک را در نظر گرفت و این محیط شامل خانواده (پدر و مادر، پدربزرگ و مادربزرگ - برادران و خواهران) شیرخوارگاه و مدرسه میگردد طبعاً "کودک با افراد یاد شده بویژه پدر و مادر برادران و خواهران خود تماسها و تصادماتی پیدا میکند. مثلاً" در خانواده‌ای که چندین بچه دارد بچه‌های بزرگتر جانی مخصوص برای خود دارند، نمی‌بخشند که بچه‌های کوچکتر وارد محدوده آنها شوند درحالیکه احتمالاً "خود آن بویه خود از نظر تعیین محدوده خود مشکلاتی با پدر و مادر و پدربزرگ و مادربزرگ - دارند و احیاناً "در محدوده دیگران وارد میشوند و طبعاً" با درگیری‌های درونی و بیرونی مواجه میشوند و براساس همین برخوردها روش برای خود برمیگزینند.

کودک بوسیله عضویت در خشم خود میخواهد بگوید: "من وجود دارم و دلم میخواهد که من هم جانی مخصوص در خود داشته باشم" منتهی باید به ترتیب مقتضی و مناسب باو پاسخ داد مثلاً "بله من تو را دوست دارم ولی اگر از این حد تجاوز کنی یا از اندازه خود بیرون گذاشته‌ای" معلاً "برادران و خواهران کودک خشم او را با خشم پاسخ میگویند بخصوص هنگامیکه احساس می‌کند بی‌نیاز است در صورتیکه عکس العمل بزرگترها یعنی اولیای و مربیان باید نسبت به دیگری باشد. با توجه باینکه کودک مایل است خواسته‌اش انجام شود و حوصله انتظار طولانی را ندارد لذا خانواده در جواب گویی و درک کودکان باید توجه کنند تا از نادان در دایره بسته‌ای که گاهی اولیای و کودکان در آن گرفتار میشوند احتراز گردد.

گفت و شنود و مذاکره با کودک هنری است پیچیده و مشکل. اگر بچه دو ساله‌ای چیزی را به صورت آنی و فوری بخواهد و پدر و مادر امکان بر آوردن آن خواسته را نداشته باشند و یا آنرا مصلحت ندانند میتوانند با کلمات مناسب باو بگویند: "حالا وقتش نیست کمی صبر کن بعد ترتیش را میدهم". کودک گاهی با شنیدن صدای مادر و سخنان او آرام میشود ولی گاهی باین آسانیه‌ها رضایت نمیدهد و خشم و عصبانیت او همه مییابد. بعضی از پدر و مادرها در این قبیل موارد میگویند: این طبیعی است. بچه است نااحت شده و این جریانی است گذرا مسئله‌ای نیست... بعضی دیگر برعکس میگفتند:

"نمیخواهم که او ابراز خشم و صبا نیت کند و لذا بعنوان پدر یا مادر در برابرش میایستیم و جواب های را با هوی میدهم و..."

مسلما "نقش پدر و مادر بسیار مشکل است. پدر و مادر بودن را که تعلیم نمی دهند و در ضمن هر پدر و مادری خود نیازها و خسته‌هایی دارد که در یک لحظه معین با خواسته‌ها و امیال کودک مطابقت نمی کند و لذا باید در جستجوی هماهنگی بود و این چیزی است که وقت و استقامت و... را لازم دارد.

بی‌نقشه و هدف تسلیم شدن و یا بهر قیمت مخالفت و ایستادگی کردن کاری است ناصحیح و در واقع بمنزله نفی تربیت و پرورش است.

بسیاری از ما شاهد این صحنه یا نظایر آن بوده‌ایم که مادری با کودک خود وارد فروشگاه می‌شود کودک بهر چیزی که میرسد دست میزند و مادر هم کاری به کار او ندارد مثل اینکه او را نمی بیند ولی وقتی بچه در محیطی نو و کنجکاوی

برانگیز به جولان افتاده و اینطرف و آنطرف میرد و احتمالا چیزی را می‌شکند، آنوقت مادر شروع به دادویداد میکند و سر کودک داد می‌کشد. کودک هم متقابلاً شروع به سر و صدا و ناراحتی میکند و عصبانی میشود و بدین ترتیب عبور آنی از یک روال بی‌بندوبار به یک روش سختگیرانه موجب برانگیختن خشم کودک میشود.

یک لحظه کودک را کاملاً "در بست آزاد گذاشتن که هر خشت می‌خواهد به قالب برند و دو دقیقه بعد او را منع مطلق نمودن مسلماً "منطبق با موازین تربیت نیست. متأسفانه بسیاری از پدران و مادران یکی از دو قطب آزادی بی‌بندوبار یا سختگیری مفرط را انتخاب می‌کنند. برخی چنین می‌انگارند که اگر سختگیری کنند کودک آرامتر خواهد آمد و آمادگی بیشتری از لحاظ زندگی اجتماعی پیدا خواهد کرد. گروهی دیگر آن‌انکه خود را راحت کنند هیچ محدودودی برای کودک قائل نمیشوند مثلاً "باز تمام می‌گویند: "میگذارم هر کار دلش میخواهد بکند چرا باعث عصبانیت و دلخوری بشوم؟" و توجه ندارند باینکه بچه‌های عصبانی حتی موقعیکه همه چیز برایشان فراهم است خشمگین میشوند و چون مسئله حدود و حدود مطرح نیست لذا جریان تصاعدی پیرامون آنها به سرعت به یک میماند.

یکی از نکاتی که از نظر تربیتی واجد اهمیت میباشد موضوع مداوم و یک فسق عمل کردن است. هر خانواده‌ای قانون و روال تربیتی ویژه‌ای برای خود دارد. هنگامیکه پدر و مادر در خصوص روال تربیتی مورد نظر خود به توافق رسیدند

باید در مورد آن ایستادگی کنند و آنرا با نرمش و مهربانی به کودک تفهیم نمایند و اگر روزی در مورد چیزی موافقت و روز دیگر آنرا قدغن نمایند کودک سردرگم میشود و نمیداند چه بکند و همین جریان باعث خشم او میشود. اولیای باید باین مطلب توجه کنند که کودک توان شنیدن و فهمیدن و قبول حدود برای خود را دارد بشرطی که آن حدود متناسب و سازگار با سن او باشد و برپایه روابط و مناسبتی صریح و منظم ابراز و تنظیم گردد.

بسیاری از پدیده‌های نامنظم و ناهنجار (همه‌شان) میتوانند روش و رفتار خود را نسبت به کودکان خود بشیر دهند. مسوولان بر اینکه به تفکر و تعمق در این زمینه تن در دهند و وقت و حوصله لازم را برای طرح مطلب با کودکان در جوی مشحون از اعتماد و محبت متقابل و فارغ از پیشداوری‌ها مصرف دارند زیرا خشم کودک بیماری نبوده بلکه بحث در سر درک بهتر رفتار کودک و کمرشش در پیدا کردن تفاهمی دور از بی‌بندوباری یا سختگیری مطلق بلکه مبتنی بر واقعیات زندگی روزمره و خواسته‌ها و نیازها و برنامه‌های اولیای و کودکان (هر دو) می‌باشد.

قلدری در مدرسه

قلدری یکی از انواع خشونت و رایج‌ترین نوع آن در مدارس است که به بی‌رحمی، لجبازی، بداندیشی، و خشونت فیزیکی و روانی تعریف می‌شود و ممکن است منجر به صدمات فیزیکی و روانی متعددی شود. کودکان قلدر به تسلط بر دیگران و کنترل آن‌ها تمایل دارند. آن‌ها برای رسیدن به اهداف خود از شیوه‌های